



ما افغان نیستیم:

**ماتاجیک، هزاره، اوزبیک، تورکمن، بلوچ و... هستیم
دولت با تذکره الکترونیکی هویت ما را جعل می کند**

دولت با تذکره الکترونیکی هویت ما را جعل می کند!

طبق خبر کابل پرس در تاریخ 16 دسمبر، حکومت افغانستان از طریق وزارت مخابرات کشور بوسیله یک شرکت خصوصی بنام گراند تکنالوژی رسورس مربوط به شخصی بنام میرویس علیزی از نزدیکان امیرزی سنگین برای ایجاد و صدور تذکره الکترونیکی قرارداد صد و یک و نیم میلیون دالری را به امضا رسانیده است. این شرکت با توجه به رابطه نزدیکش با شخص امیرزی سنگین سرپرست کنونی وزارت مخابرات چندین پروژه های پرمفعت آی.سی.تی را با مبالغ هنگفت از وزارتخانه های مختلف در انحصار خود در آورده است.

قرار معلوم وزارت مخابرات بزودی تذکره های الکترونیکی را جاگزین شناسنامه های فعلی می کند و می خواهد بزودی کارت های هویت بدیل تذکره را در چند ولایت کشور بطور امتحانی توزیع نماید. در این تذکره ها ملیت همه اقوام کشور، افغان ذکر شده و صرفا به زبان پشتواست در حالیکه طبق قانون اساسی، دری و پشتو زبانهای رسمی کشور هستند. درین کارتهای شناسنامه، شهرت شخص بدون آنکه ملیت متعلق به آن در نظر گرفته شود، همه را افغان نامگذاری کرده است. در صورتی که کلمه افغان در طول تاریخ جبرا از طرف یک قوم بالای دیگر اقوام تحمیل گردیده و وسیله ای برای برتری جویی قومی سرکوب دیگر اقوام کشور بوده است. نامگذاری افراد تمام اقوام ساکن کشور بنام یک قوم، باعث تخریش اذهان عمومی اقوام دیگر کشور و تعمیق خصومت ها بین اقوام خواهد شد. اینگونه اعمال خلاف منافع ملی بوده و در هیچ نقطه دنیا تجربه نشده است که نام یک قوم خاص بالای سایر اقوام تحمیل شود.

در همسایگی افغانستان نیز کشورهای قراردادارند که دارای نام یک ملیت است ولی در تذکره تابعیت هریک از اتنیک ها تعلق قومی شان تسجیل می شود. در افغانستان هیچ قومی نمی خواهد در بدل اضمحلال هویت عینی قومیش، نام قوم دیگری را بپذیرد. اما وزارت مخابرات افغانستان بنا بر تعصب، زبان فارسی دری را خلاف احکام قانون اساسی کشور از تذکره الکترونیکی حذف نموده است. پروژه ی حذف زبان فارسی در اسناد وزارت مخابرات افغانستان با

روی دست گرفتن پلان تغییر هویت قومی و زبانی اقوام افغانستان که منجر به اضمحلال هویت اتنیکی اقوام غیرپشتون کشور می شود، نه تنها تنفر قومی، نژادی، زبانی، دینی و مذهبی را ترغیب می کند بلکه این عمل ناجایز و سرکوبگرانه دولت کنونی نیز محسوب می گردد. افغان خواندن اقوام غیر افغان از قبیل تاجیک ها، هزاره ها و ازبک ها و سایر ترکتباران افغانستان غیر قابل قبول است.



در تصویر بالا نمونه ای از تذکره الکترونیکی به زبان پشتو را با هویت افغان مشاهده می نمایید. جعل و حذف هویت قومی اقوام محروم و تحت ستم افغانستان پیشینه بیش از یک قرن دارد که درین سرزمین آغاز شده است. واژه «افغان» در قرن دهم بکار رفته و به تدریج مفهوم آن وسیع تر شده است تا اینکه در قرن هژدهم حاوی کلیه پشتون های کشور گردیده است. تا جایی که در قرن دهم هجری نام تمامی قبایل ابدالی و غلجائی را در بر گرفت. این اسم از نخستین زمان کاربرد آن به قبیله ویا قبایل پشتون که در آغاز عمدتاً دروادی رود سند ونواحی کوه های سلیمان می زیستند اطلاق می شد. چون واژه «افغان» در اصل به قوم «پشتون» گفته شده و اطلاق آن بالای اقوام غیر پشتون نابجا و در تضاد با منافع ملی است. استفاده از نام «افغان» به افراد متعصب و ملیت گرا حق می دهد، تا خود شان را باشنده گان اصلی افغانستان بنامند و به ساکنان دیگر کشور هیچ گونه امتیازی قایل نباشند. ولی ظاهر شاه، خود و اکثریت خاندان سلطنتی او که مربوط به قبیله محمدزائی ها بودند با تکلم بزبان پشتومشکل داشته و هیچ آشنایی با آن نداشتند.

در جریان سالهای تداوم جنگ جهانی دوم در افغانستان تحت تأثیر ایدئولوژی نازیسم در دستگاه سلطنتی ظاهر شاه، هاشم خان و شاه محمود خان ثوری برتری نژادی پشتون ها را بردیگر اقوام افغانستان بشدت تطبیق می کردند که، افراد عالیرتبه کشوری و نظامی از جواسیس استخبارت آلمان و مبلغان تیوری نازیسم در افغانستان در سال 1942 م بودند. چنانچه زمامداران انحصارگرای افغانستان، ظالمانه کوشیده اند که با کتمان هویت های زبانی، فرهنگی واجتماعی سایر اقوام کشور، تسلط فرهنگی، نمادهای هویتی و نیازهای سیاسی یک قوم خاص را بصورت یکجانبه بر هویت های اقوام دیگر تثبیت نمایند. با تعقیب این سیاست برتری خواهانه تک قومی و ایدئولوژیک ساختن این

تفکر قوم گرایانه در دوره هفتم شورا، حزب افغان سوسیال دموکرات توسط غلام محمد فرهاد مشهور به پایا غلام با الهام از نظریات نازیسم آلمان وقت تاسیس شد که بعداً این حزب بنام حزب افغان ملت یاد گردید. این گروه اکنون نیز داعیه داران این تفکر فاشیستی حزبی بنام افغان ملت را که بوسیله احدی وزیر تجارت فعلی رهبری می شود دنبال می کند. این حزب در بدنه اصلی تیم حاکم نقش بسیار پر رنگ و تاثیر گذار در سیاستهای جاری دولت دارد. می توان نقش حزب افغان ملت را در ایجاد تذکره الکترونیکی جدید موثر و عمده دانست که این حزب کلمه افغان را می خواهد مانند گذشته بالای اقوام محروم کشور تحمیل نماید.

در نتیجه ی پیشبرد این سیاست، برتری خواهانه قومی در افغانستان نه تنها هویت ملی زمینه ی بلوغ و تکامل عینی پیدا نکرده ، بلکه پراکندگی قومی و اجتماعی را گسترده نموده است. تشدید تعارض های قومی میان کوچی ها و اهالی ساکن محلی و نداشتن تذکره باعث گردیده که آمار دقیقی از شمار نفوس جمعیت این گروه پشتون ها، بدرستی در دست نباشد و این گروه بعنوان شهروندان بدون تابعیت و تذکره از یکسو و بدون تمکین به تکالیف شهروندی، همواره از حقوق و امتیازات سیاسی و اقتصادی خاصی برخوردار باشند. ولی نظام های حاکم از آنها همواره به مثابه یک اهرم فشار سیاسی علیه سایر اقوام مسکون استفاده می نمایند. باید هرچه زودتر آمار دقیق جمعیتی این گروه خانه بدوش و پروسه اسکان دایمی آنها فراهم شود. حکومت های دیکتاتوری تک قومی افغانستان در کنار حذف زبان فارسی و تورکی و دیگر زبان های اقوام محروم افغانستان و آتش زدن کتابخانه ها، آثار فرهنگی، آثار تاریخی و نشانه های هویتی اقوام محروم را تخریب یا غارت کردند و در جریان دهه های اخیر، این جعل و حذف هویت، با پاکسازی قومی، نسل کشی، کوچ اجباری، غصب زمین و تبعیض همراه بوده است.

افشای این مسایل با هدف جلوگیری از گسترش توطئه های قبیله پرستانه موجود در جامعه که ریشه در گذشته های خونین و غیر انسانی حاکمیت های قبیله ای دارد، با رجوع منطقی به حل این معضلات تاریخی در شرایط فاجعه بار کنونی کشور صورت می گیرد. همزیستی انسانی مجموع اقوام و ملیت های ساکن این سرزمین در گرواز بین بردن تمایلات قدرت طلبانه انحصاری و برتری جویی های نژاد پرستانه در دولت فعلی قرار گرفته است. قبیله پرستی بزرگترین مانع توفیق دموکراسی بر دیگر عوامل بازدارنده دموکراسی درین کشور می باشد که دشمنان داخلی و خارجی مردم و میهن ما از آن استفاده های زیادی را در جهت ایجاد نفاق، در روابط با همی اقوام و ملیت های ساکن کشور و بهره برداری به عمل می آورند.

در حالی که مشخص شدن هویت دقیق اقوام و ملیت ها و پیروان مذاهب مختلف ، در تذکره شهروندی که تصویر روشنی از بافت قومی و مذهبی جامعه ی افغانستان ارائه می دهد، موجودیت هویت قومی و مذهبی اقوام محروم

فراموش شده بعنوان شهروندان دارای حقوق شهروندی را هویدا می کند و این روحیه زمانی شکل خواهد گرفت که همه بدنبال نهادینه سازی ارزشهای هویت ساز و متحد کننده ملی باشند. آن هم با توزیع عادلانه قدرت و ثروت و بدست آوردن اعتماد ملی و تقویت روحیه هم پذیری و همگرایی ملی استوار باشد و ساختن نظام سیاسی بر مبنای رسمیت یافتن هویت، شخصیت حقوقی و حقیقی و مشارکت عادلانه ی اقوام با تعیین فیصدی جمعیت شان می تواند راه مناسب و مطمئنی برای استقرار عدالت سیاسی بوده باشد.

دولت افغانستان نباید اشتباه کند که تغییر هویت اتنیکی اقوام به مفهوم شرط ایجاد ملت نبوده بلکه می تواند سرآغاز تشدید اختلافات قومی جدید در افغانستان باشد. نباید مردم را وادار نمود تا به عنوان آخرین علاج برای دفاع از هویت خود به مخالفت برضد ظلم و فشار مجبور گردند. بنا براین باید تفاوت ها را پذیرفت و هویت های مختلف در جامعه و روحیه هم پذیری، توافق و تنوع خواهی را تقویت کرد نه تحمیل هویت تک قومی و زبانی بر دیگر اقوام افغانستان. برای تهیه تذکره جدید سرشماری دقیق و علمی با متوذهای نوین فنی و با نظارت و حمایت مجامع بین المللی و سازمانهای بی طرف جهانی در افغانستان نخستین شرط برای اجرای پلانهای کلان در امور حاکمیت، در این کشور می باشد اگر هر نهاد یا گروهی بدنبال تحمیل تمایزات فرهنگی و زبانی یا آئینی شان بر توده مردم و روح جمعی جامعه باشد نه تنها وحدت و انسجام ملی شکل نخواهد گرفت و بلکه وحدت ملی در کشور به فراموشی سپرده خواهد شد. فرید سمیع